

## تحلیل ساختاری بارداری‌ها و زایش‌های فراطبیعی در قصه‌های پریان ایرانی و اسطوره‌های ایرانی، هندی و بین‌النهرینی

ثمین اسپرغم

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

ابوالقاسم قوام<sup>۱</sup>

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

سمیرا بامشکی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۸/۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۰/۵

### چکیده

در قصه‌های پریان، بارداری‌ها و زایش‌ها نیز، همچون دیگر رخدادها و عناصر این‌گونه ادبی، صورت‌هایی دگرگونه و فراطبیعی دارند. در این مقاله، انواع بارداری‌ها و زایش‌های فراطبیعی در قصه‌های پریان ایرانی بررسی می‌شود. سپس به کمک روش اسطوره‌شناسی ساختارگرای کلود لوی استروس، به تحلیل ساختاری و تطبیقی این قصه‌ها با اساطیر ایرانی و نیز اسطوره‌های دو سرزمین هم‌جوار یعنی هند و بین‌النهرین پرداخته خواهد شد که پیوندهای فرهنگی و تاریخی با ایران دارند و بدین ترتیب شباهت‌های ساختاری بارداری و زایش در قصه‌های پریان ایرانی با این اسطوره‌ها نشان داده خواهد شد. سرانجام با توجه به اسطوره‌بن‌های مشترک این روایات، الگوی ساختاری این روایت‌ها معین می‌شود و با توجه به نشانه‌ها و نمادهای موجود در روایات، نقد و تحلیل می‌گردد. بررسی تطبیقی این قصه‌ها و اساطیر نشان می‌دهد که اشکال غیرمعمول بارداری و زایش در قصه‌های مورد بحث در اصل صورت‌هایی اسطوره‌ای هستند که در گذر زمان تغییر شکل داده و به صورت‌هایی مختلف در قصه‌های پریان نمود یافته‌اند. این روایت‌ها تقابل دو مفهوم ناباروری (بارخواهی) در برابر بارآوری و عالم طبیعی در برابر عالم فراطبیعی و کوشش برای حل آنها را نشان می‌دهند. در این روایت‌ها، تقابل غالباً به یاری عناصر واسطه فراطبیعی مرتفع می‌شود. این گونه بارداری‌ها و زایش‌های غیرمعمول مختص قهرمانان قصه‌هاست و ایشان را از آغاز آفرینششان به عوالم دیگر متصل می‌کند و سیمای ابرانسانی و خصلت‌های قهرمانی ایشان را از همان لحظه بسته شدن نطفه‌شان آشکار می‌نماید تا ممتاز بودن آنها و جهانشان را از دیگر انسان‌ها آشکارتر سازد.

**واژه‌های کلیدی:** قصه‌های پریان، اسطوره، بارداری، ساختارگرایی، ایران، هند، بین‌النهرین.

### مقدمه

در قصه‌های پریان، بارداری‌ها و نحوه زایش قهرمانان غالباً شکلی فراطبیعی و غیرمعمول دارد، اما این گونه بارداری و زایش‌های غیرمعمول مختص قصه‌های پریان نیست، بلکه ساختاری کهن است که ریشه در اساطیر دارد. در این مقاله، با استفاده از روش اسطوره‌شناسی ساختاری کلود لوی استروس، به بررسی ساختاری بارداری و زایش فراطبیعی در قصه‌های پریان ایرانی می‌پردازیم. سپس ساختار مشابه آنها را در اسطوره‌های ایران و دو سرزمین همسایه که با ایران روابط فرهنگی بیشتری داشته‌اند، یعنی هند و بین‌النهرین، مورد مطالعه قرار می‌دهیم و می‌کوشیم قانون ساختاری حاکم بر این گونه روایات را معین کنیم. برای این کار، نخست به تجزیه روایت‌های مورد بررسی به کوچک‌ترین واحدهای سازنده آنها، یعنی اسطوره‌بن‌هایشان<sup>۱</sup> می‌پردازیم (مقصود از اسطوره‌بن جمله‌ای است که بیانگر یک واقعه اسطوره‌ای باشد: Levi-Strauss, 1955: 430-431). سپس با توجه به اسطوره‌بن‌های روایات، تقابل‌های موجود در آنها را جستجو می‌کنیم. بررسی تقابل‌های دوگانه یکی از شاخص‌های اصلی روش لوی استروس است. به باور لوی استروس، جهان نظمی مبتنی بر تقابل دارد و آدمی جهان را به عنوان امری متناقض درک و تجربه می‌کند. او معتقد است که آدمی در جهان و تجربه‌اش از عالم با تقابل‌هایی چون بالا و پایین، چپ و راست، مرد و زن، زندگی و مرگ و ... درگیر است و اساساً رسالت و هدف اسطوره فراهم آوردن الگویی منطقی برای رفع یا کم‌رنگ نمودن همین تقابلهاست (Levi-Strauss, 1955: 443؛ وازمین و گووز، ۱۳۹۲: ۸۹؛ سگال، ۱۳۹۴: ۱۹۵-۱۹۷). لوی استروس بر این باور است که اسطوره‌ها با قرار دادن یک تقابل در برابر تقابلی دیگر، که برای آدمی پذیرفته‌تر است، می‌کوشند تا پذیرش و درک تقابل‌ها را برای آدمی آسان‌تر کنند (سگال، ۱۳۹۴: ۱۹۸-۲۰۰؛ Penner, 1998: 10). در مرحله بعد و پس از تعیین الگوی ساختاری روایت‌ها، به تحلیل و بررسی این قصه‌ها و نمادهای موجود در روایات می‌پردازیم. گفتنی است که پژوهشگران غربی مانند اتو رانک<sup>۲</sup>، فن هان<sup>۳</sup>، کمبل<sup>۴</sup> و راگلان<sup>۵</sup>، که تحقیقاتی در زمینه الگوی زندگی قهرمان و غالباً از منظر روان‌شناختی انجام داده‌اند، و نیز پژوهشگرانی که در ایران به بررسی الگوی ساختاری زندگی پهلوانان اساطیری ایرانی پرداخته‌اند، به نحوه غیرمعمول زایش قهرمانان اسطوره‌ای اشاره کرده‌اند

1. mytheme
2. O. Rank
3. von Hahn
4. J. Campbell
5. L. Raglan

(سگال، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۵۲؛ ۱۶۳-۱۶۴؛ کمبل، ۱۳۹۲: ۳۲۴؛ حق‌پرست و یاحقی، ۱۳۹۵). همچنین در برخی از پژوهش‌های ایرانی، به بن‌مایه تولد نمادین قهرمان در تعدادی از قصه‌های عامیانه ایرانی و اسطوره‌ها از دیدگاه روان‌شناختی پرداخته شده است (شکری، ۱۳۹۲)، اما تاکنون به بررسی الگو و قانون ساختاری قصه‌های پریان ایرانی در بارداری‌ها و زایش‌های فراطبیعی و اسطوره‌های مشابه آنها در ایران و سرزمین‌های همسایه پرداخته نشده است.

### ۱. بارداری و زایش‌های فراطبیعی در قصه‌های پریان ایرانی

در بسیاری از قصه‌های پریان ایرانی، گاه نحوه بستن نطفه و باردار شدن زن و گاهی شکل زایش فرزند صورت‌هایی غیرمعمول و فراطبیعی دارد. این گونه‌های بارداری و زایش غیرمعمول در آغاز قصه‌های مختلفی مانند نوع‌های شماره ۳۰۳B\*، ۳۰۳\*، ۳۰۳\*، ۳۱۵A، ۴۲۵L\*، ۵۰۷C، ۵۵۰\*، ۷۰۶، ۷۱۵ و ۷۸۰ دیده می‌شود (مارزلف، ۱۳۷۱: ذیل همین شماره‌ها). در بارداری‌های غیرمتعارف، معمولاً زوجی نابارور با دخالت یک عامل میانجی و فراطبیعی بارور می‌شوند و در زایش‌های غیرمعمول، غالباً زوجی عقیم با دخالت یک عامل واسطه فراطبیعی صاحب فرزندی با هیأتی غیرانسانی (گیاه یا جانور) می‌گردند که گاهی این فرزند بعداً تبدیل به یک انسان می‌شود و گاهی هم تا پایان قصه به همان شکل غیرانسانی باقی می‌ماند.<sup>(۱)</sup>

بارداری‌ها و زایش‌های فراطبیعی مختص قهرمانان قصه‌هاست؛ قهرمانانی که اغلب انسان‌هایی ویژه و برتر از دیگر انسان‌ها، چه به لحاظ ظاهر و هوش و چه از نظر توان بدنی یا حمایت شدن توسط نیروهای فوق‌طبیعی مانند دیوان و پریان و ... هستند (رک: درویشیان و خندان، ۱/۱۳۸۷: ۱۳۳؛ همو ۳/۱۳۸۷: ۲۰۷؛ همو ۱۲/۱۳۸۹: ۴۷۱؛ همو ۱۸/۱۳۸۴: ۴۶۸، ۴۹۶-۴۹۷). در قصه‌های پریان غالباً هنگامی که مردی خواهان فرزند است، فرزندان پسر و هنگامی که زنی خواهنده باروری است، فرزندان دختر هستند (درویشیان و خندان، ۱/۱۳۸۷: ۴۶۳-۴۶۴؛ همو ۱۲/۱۳۸۹: ۵۷۱، ۶۳۹-۶۴۰؛ همو ۱۸/۱۳۸۴: ۴۶۰، ۴۶۷-۴۶۸، ۴۹۵؛ همو ۹/۱۳۷۸: ۵۷۷-۵۸۸).

با بررسی قصه‌های پریان ایرانی می‌توان سه گونه کلی بارداری فراطبیعی و دو گونه زایش غیرمعمول را در آنها مشخص کرد. انواع بارداری‌های فراطبیعی در این قصه‌ها عبارتند از: ۱. بارداری با خوردن یک خوراک ویژه (اغلب یک میوه) که درویشی به زوج نابارور می‌دهد؛ ۲. باردار شدن با دعا و عبادت؛ ۳. ازدواج با یک دختر خاص. زایش‌های غیرمعمول در قصه‌ها به دو صورت دیده می‌شود: ۱. تبدیل شدن اشیا و مواد مختلف به نوزاد با دعای یک درویش؛ ۲. زایش به شکل یک گیاه یا جانور. در ادامه به

ذکر و بررسی نمونه‌هایی از هر یک از گونه‌های یادشده در قصه‌های پریان ایرانی و اسطوره‌های ایرانی، هندی و بین‌النهرینی می‌پردازیم. در این بخش می‌کوشیم تا گشتارها<sup>(۳)</sup> و تفاوت‌های موجود در هر دسته از قصه‌ها را نیز ذکر کنیم تا روشن‌تر شود که اگر چه رو ساخت این قصه‌ها متفاوت است، همچنانکه با توجه به جدول و در نهایت الگوی ساختاری این روایات آشکار می‌شود، ژرف‌ساخت این روایت‌ها یکسان است.

## ۱-۲-۱. انواع بارداری‌های فراطبیعی در قصه‌های پریان ایرانی

### ۱-۲-۱. بارداری با خوردن خوراک

این گونه بارداری در آغاز بسیاری از قصه‌های پریان ایرانی دیده می‌شود. در برخی از این گونه موارد، نه تنها فرایند بارداری به صورتی غیرمعمول رخ می‌دهد، که پس از زایمان و به دنیا آمدن کودک نیز ماجراهای غیرمعمول همچنان ادامه می‌یابد. مثلاً در قصه «جانتیغ و چل گیس»، پادشاه بی‌فرزند با سببی که از درویشی گرفته است صاحب پسری می‌شود، اما پسر مرده به دنیا می‌آید، در حالی که تیغی همراه اوست. با راهنمایی درویش، پادشاه درمی‌یابد که باید تیغ را به گردن کودک بیندازد تا او جان بگیرد (درویشیان و خندان، ۳/۱۳۸۷: ۲۰۷، ۲۹۱). در برخی موارد، این گونه باروری منجر به زایش فرزندان ناقص اما همچنان ممتاز و با خصائصی برجسته می‌شود. مثلاً در قصه «نیمه-کون»، همه زنان شاه سیب‌هایی را که درویش به آنها داده است، کامل می‌خورند و فرزندان سالم می‌زایند، اما یکی از زن‌ها نیمی از سیب را می‌خورد و یک بچه نیمه به دنیا می‌آورد که توانایی فوق‌العاده‌ای دارد. هنگامی که برادران نیمه‌پسر اسیر دیوی می‌شوند، او به یاری آنها می‌رود و نجاتشان می‌دهد (همو، ۹/۱۳۸۶: ۵۷۷-۵۸۸). در قصه «لت خروسی» هم، که روایتی دیگر از این قصه است، فرزند ناقص به کمک این توانایی‌های فراطبیعی خود موفق می‌شود که با حاکم زورگو مقابله کند و طلب پدرش را از او بگیرد (همو، ۱۲/۱۳۸۹: ۶۳۹-۶۴۰). در قصه «متیل شمشیر هفت محمدی»، پیامبر جایگزین درویش شده است. در این قصه، سیب هفتمین زن را گربه می‌رباید و در نتیجه او صاحب فرزندی معلول و یک‌پا می‌شود. زن شیون سر می‌دهد و در این هنگام پیامبر در برابر او ظاهر می‌شود و شمشیرش را به مثابه افسونی به کمر کودک می‌بندد. این چنین کودک توانایی راه رفتن پیدا می‌کند. این پسر نظر کرده هم، علی‌رغم نقص مادرزادی، توانایی‌هایی فوق‌العاده دارد. او همچون پهلوانان نیرومند است و در راه رسیدن به دختر مورد علاقه‌اش موفق می‌شود که حیوانات درنده، اژدها و دیوی را از پای دریاورد (همو، ۱۹/۱۳۸۶: ۵۰۵-۵۰۸). در قصه «سره»، علاوه بر بارداری از طریق خوردن میوه، با شکل غیرمتعارف دیگری از بارداری نیز روبرو هستیم. در این قصه، پیرمرد خارکشی به دلیل

گرسنگی، کل اناری را می‌خورد که درویشی به نیت باروری به او داده است و خود باردار می‌گردد. او یک سر بدون تن به دنیا می‌آورد که در هنگام ازدواج و در حجله تبدیل به جوانی بسیار زیبا می‌شود (همان، ۱۵-۱۸). گفتنی است که در برخی از قصه‌ها، درویشی که سبب بارور شدن زوج گشته است، پس از چند سال و در سنین نوجوانی به دنبال فرزند می‌آید و او را با خود می‌برد. این مورد در قصه‌هایی دیده می‌شود که فرزندان پسرند. در این قصه‌ها، نوجوانان سفرها و مخاطرات دشواری را از سر می‌گذرانند و در پایان با دخترانی زیبا ازدواج می‌کنند (همو، ۳/۱۳۸۷: ۲۰۷-۲۱۴، ۲۹۰-۲۹۹؛ همو، ۵/۱۳۸۲: ۴۹۱-۴۹۵؛ همو، ۸/۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۸۰؛ همو، ۹/۱۳۸۶: ۵۰۵-۵۰۸). از آنجا که این سفرها غالباً به ازدواج ختم می‌شود، چنین می‌نماید که این مسافرت‌ها بازتابی از آیین‌های گذرند که نوجوانان را برای ازدواج و ورود به مرحله جدید زندگی آماده می‌کنند.

#### ۱-۲-۲. بارداری با دعا و عبادت

در برخی دیگر از قصه‌ها، بارداری پس از عبادت، نذر کردن یا اطعام فقرا اتفاق می‌افتد. در قصه «بی‌بی نگار و می‌سس قبار»، زنی نابارور با دعا کردن نزد درختی نظرکرده و نذر نمودن برای آن صاحب فرزند می‌شود (همو، ۱/۱۳۸۷: ۴۶۳-۴۶۴). از دیگر نمونه‌های این گونه بارداری می‌توان به قصه‌های «چل‌گزه‌مو» و «ملک زیور» اشاره کرد که در آنها شاه نابارور با دعای مستمندان و چهل شب جمعه عبادت کردن صاحب فرزند می‌شود (همو، ۳/۱۳۸۷: ۲۹۰، ۳۵۹؛ همو، ۱۹/۱۳۸۶: ۵۳۳-۵۳۴).<sup>(۳)</sup> در قصه «دختران انار»، شاه با نذر ریختن روغن و غسل در دریا برای ماهی‌ها صاحب پسری می‌شود (همو، ۵/۱۳۸۲: ۹۹).

#### ۱-۲-۳. بارداری از طریق ازدواج با دختری خاص

در برخی از قصه‌ها تنها راه فرزنددار شدن ازدواج با دختری خاص است که توسط درویش یا یاریگر قصه به شاه معرفی می‌شود. مثلاً قصه‌های «شهزاده شهر سبز» و «گوهر ابریشم و دختر شاه پریان» این چنین هستند (همو، ۸/۱۳۸۵: ۵۶۸؛ همو، ۱۲/۱۳۸۹: ۶۱۱).

#### ۱-۳-۳. زایش‌های فراطبیعی در قصه‌های پریان ایرانی

##### ۱-۳-۱. زایش به‌واسطه تبدیل یک شیء به نوزاد با دعای درویش

در این گونه موارد، درویشی به یاری دعا و افسونی به برخی اشیا یا مواد آنها را تبدیل به یک کودک می‌کند. برای نمونه، در قصه «دختر دال»، درویشی به زنی نازا وردی می‌آموزد که تا چهل روز به تخم مرغی که درون گهواره‌ای نهاده است بخواند. پس از چهل روز، از درون تخم مرغ، دختری زیبا بیرون می‌آید (همو، ۱۸/۱۳۸۴: ۴۶۰، ۴۶۷). این

گونه زایش در قصه‌های «گوردله» و «دَدَر هَویری و بی گل هزاری» هم به صورت تبدیل شدن قلوه و خمیر به دخترانی زیبا دیده می‌شود (همو، ۱۲/۱۳۸۹: ۵۷۱؛ همو، ۱۸/۱۳۸۴: ۴۹۵). گفتنی است که دختران زادشده به صورت‌های فراطبیعی هم همچون پسرانی که این گونه زاده می‌شوند از سایرین ممتاز هستند. آنها یا بسیار زیبا هستند یا بسیار باهوش‌تر و زرنک‌تر از دیگر دختران و معمولاً شاهزادگان یا از ما بهتران را شیفته خود می‌کنند و با آنها ازدواج می‌نمایند (همو، ۱/۱۳۸۷: ۴۶۳-۴۶۷؛ همو، ۱۳۸۲: ۵/۲۷۷-۲۷۸؛ همو، ۱۲/۱۳۸۹: ۵۶۹-۵۷۴؛ همو، ۱۲/۱۳۸۴: ۴۶۰-۴۶۱).

### ۱-۳-۲. زادن فرزند از گیاه یا جانور

این گونه زایش در قصه‌های پریان ایرانی به این شکل دیده می‌شود که غالباً زنی به درگاه خدا دعا می‌کند که بچه‌دار شود و پس از چندی صاحب فرزندی می‌شود که یا شکل انسان نیست یا انسانی است که درون گیاه یا به جلد جانوری رفته است. برای نمونه، در قصه «آنخودک»، زنی نازا برای فرزنددار شدن به درگاه خدا دعا می‌کند و مقداری نخود می‌زاید. پس از مدتی، یکی از نخودها شروع به سخن گفتن می‌کند و خود را فرزند زن معرفی می‌نماید (همو، ۱/۱۳۷۸: ۱۳۳). در قصه‌های «قصه کدو»، «کدو» و «دختر درزی و شاهزاده»، زنان نازا کدویی به دنیا می‌آورند و در قصه «گرازک» زن گرازی می‌زاید که از دل آنها پسر و دخترانی زیبا بیرون می‌آیند. در قصه‌های «دختر درزی و شاهزاده»، «کدو» و «گرازک»، پسر پادشاه دختر را، که پنهانی از جلد خود بیرون آمده است، می‌بیند و شیفته وی می‌شود. او دختر را وادار می‌کند که از جلدش بیرون بیاید و با وی ازدواج می‌نماید. در «قصه کدو»، کدو از پدرش می‌خواهد که دختر حاکم را برایش خواستگاری کند و در حجله پسر از درون کدو بیرون می‌آید و با دختر ازدواج می‌کند (همو، ۵/۱۳۸۲: ۲۷۷-۲۷۸؛ همو، ۱۱/۱۳۸۹: ۲۷۵-۲۷۸؛ همو، ۱۰/۱۳۸۱: ۳۸۱-۳۸۹؛ همو، ۱۲/۱۳۸۹: ۶۵-۶۶).

## ۲. انواع بارداری و زایش فراطبیعی در اسطوره

### ۲-۱. بارداری از طریق خوردن

بارور شدن زوجی نازا با خوردن یک گیاه را در اسطوره‌های هندی و مه‌ابهارات واهدی دارد.<sup>(۴)</sup> در اسطوره راجه برهدرت<sup>۱</sup> نقل شده است که عابدی افسونی بر یک انبه می‌خواند و آن را به راجه می‌دهد. هر یک از زنان راجه نیمی از انبه را می‌خورند و باردار می‌شوند، اما هر کدام یک نیمه فرزند می‌زایند. زنان از ترس، فرزندان نیمه را بیرون

1. Brhadraha

شهر رها می‌کنند. دیوزنی بچه‌های نیمه را می‌یابد و آنها را به هم می‌زند. دو نیمه به هم می‌چسبند و تبدیل به یک نوزاد می‌شوند. دیوزن از خوردن کودک پشیمان می‌شود و کودک را به راجه و همسرانش بازمی‌گرداند (مه‌بهارت، ۱۳۵۸: ۲۲۳). درباره زاده شدن میمونی به نام هَنومَن، که به خاطر خدماتش به راما شهرت دارد، روایتی نقل شده که مشابه قصه «متیل شمشیر هفت محمدی» و روایت‌های مختلف آن است. در این قصه، شهریار دشرتهه<sup>۱</sup> به نیت پسر دار شدن به هر یک از سه همسر خویش کیکی می‌دهد. کای کی<sup>۲</sup>، جوان‌ترین همسر دشرتهه، در خوردن کیک تردید می‌کند و زغنی کیک را می‌رباید و آن را به جنگلی می‌برد که انجنه<sup>۳</sup>، اسپره‌ای که بر اثر نفرینی تبدیل به میمونی شده است، آنجا زندگی می‌کند. انجنه کیک را می‌خورد، باردار می‌شود و هنومن را می‌زاید. دشرتهه هم صاحب چهار پسر می‌شود (ایونس، ۱۳۸۱: ۸۹-۹۲، ۱۸۷). روایتی دیگر نیز در مه‌بهارت درباره راجه‌های بزرگ به نام جوناش<sup>۴</sup> وجود دارد که یادآور قصه «سره» است. در این قصه، عارفی به نام بهرگ<sup>۵</sup> به نیت فرزنددار شدن جوناش بر کوزه‌ای آب افسونی می‌خواند تا آن را زنان راجه بنوشند و باردار شوند اما راجه به خاطر تشنگی و به اشتباه آب را می‌خورد و خود باردار می‌شود. او پسری بسیار زیبا به دنیا می‌آورد. این پسر که مورد توجه خاص اندر و دیوته‌ها<sup>(۵)</sup> قرار می‌گیرد، فوراً رشد می‌کند و دو برابر مردان دیگر می‌شود. برهما نیز به وی کمان و زرهی می‌بخشد که هیچ سلاحی بر آن کارگر نیست (مه‌بهارت، ۱۳۵۸: ۳۴۰-۳۳۸). مشابه این ساختار در اسطوره‌های بین‌النهرین نیز دیده می‌شود. در اسطوره‌های این سرزمین، از پادشاهی به نام اتنه<sup>۶</sup> یاد شده است که بی‌فرزند است و به درگاه ایزد شمش لابه و زاری می‌کند تا گیاه ولادت را به او بدهد. شمش او را به جایگاه عقابی هدایت می‌کند و او به یاری عقاب در جستجوی گیاه ولادت به سیر در آسمان‌ها می‌پردازد. اگرچه پایان این اسطوره در دست نیست، اما با توجه به فهرست نام‌های پادشاهان سومری چنین می‌نماید که سرانجام اتنه گیاه ولادت را یافته و صاحب پسری شده است (مک‌کال، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۹).

## ۲-۲. بارداری با دعا و عبادت

بن‌مایه بارداری از طریق دعا و عبادت را در اسطوره ایرانی فرزنددار شدن زروان می‌توان دید. بنا بر این روایت، زروان هزار سال قربانی می‌کند تا صاحب پسری شود. اما پس از

1. Daśartha
2. Kaikeyi
3. Anjana
4. Junāh
5. Bhrgu
6. Etana

هزار سال در برآورده شدن آرزویش دچار تردید می‌شود. در همان لحظه، نطفه‌ای دوقلو در وی پدید می‌آید که از آن اورمزد و اهریمن زاده می‌شوند، اورمزد نتیجه‌ی اجابت درخواست او و اهریمن نمود شک او (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۱۳). نظیر این روایت در روایات اسطوره‌ای هندی هم دیده می‌شود. برای نمونه، دو عابد برای فرزنددار شدن راجه درپد<sup>۱</sup> دعا می‌کنند و بدین ترتیب از میان آتش هوم پسری بیرون می‌آید که زرهی بر تن، کمانی در یک دست، شمشیری در دست دیگر و تاجی بر سر دارد. در پی پسر، دختری زیبا نیز از آتش بیرون می‌آید. در داستان تولد بهرگ هم او با دعای برهما از میان آتش هوم متولد می‌شود (مهابهارت، ۱۳۵۸: ۱۴، ۱۷۱-۱۷۲). همچنین جد راجه چترباهن<sup>۲</sup> به نیت فرزنددار شدن به عبادت می‌پردازد. پس مهادیو<sup>۳</sup> یا شیوا برای او دعا می‌کند و او و نسل وی هر یک صاحب یک پسر می‌شوند (همان، ۱۳۵۸: ۲۰۰). در روایت نل و دمن<sup>۴</sup>، راجه بهیم با دعای عابدی صاحب سه پسر و یک دختر می‌گردد (همان، ۱۳۵۸: ۲۹۸). در روایتی دیگر، راجه بدرهه<sup>۵</sup> به نیت داشتن فرزند به عبادت می‌پردازد. اگست<sup>۶</sup> عارف برای او دعا می‌کند. پس از چندی، راجه صاحب دختری می‌شود که بعد با اگست ازدواج می‌نماید (همان، ۱۳۵۸: ۳۱۷-۳۱۸). در روایتی دیگر، ریشی یا عارفی بالده<sup>۷</sup> نام پس از ریاضت صاحب فرزندی با عمر دراز می‌گردد (همان، ۱۳۵۸: ۳۴۷). در روایت عاشقانه سویتری و ستیاون<sup>۸</sup> شهریار اشوپتی<sup>۹</sup> به درگاه زن برهما، بانو خدا سویتری، زاری می‌کند. پس او صاحب دختری زیبا به نام سویتری می‌شود (همان، ۱۳۵۸: ۴۰۵). همین طور راجه‌ای به نام سومک<sup>۱۰</sup> با راهنمایی برهمنی تک پسرش را می‌سوزاند و زنانش بوی سوختن او را استنشاق می‌کنند و این گونه او صاحب صد پسر می‌شود (ویاسه، ۱۳۵۸: ۳۳۸-۳۴۰). در این روایت ظاهراً عبادتی در کار نیست، اما عملی که راجه به گفته برهمن انجام می‌دهد، شبیه به نوعی آیین عبادی است و به همین دلیل این روایت را در اینجا ذکر کردیم. در یکی از اساطیر بابلی نیز پادشاهی دانیال نام به درگاه خدایان دعا می‌کند که به او پسری عطا کنند. او به ریاضتی سخت تن می‌دهد و به این ترتیب صاحب پسری می‌شود

1. Drupada
2. Citravāhana
3. Mahādeva
4. Nala and Damayanti
5. Vidarbha
6. Agastya
7. Bālādhi
8. Savitri and Satyāvan
9. Aśvapati
10. Somaka



(گریمال، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۴). در روایتی دیگر از بین‌النهرین، مردی ثروتمند برای فرزنددار شدن به معبد خورشید می‌رود و نذر و نیاز می‌کند و با شفاعت خورشید خدا نزد مردوک صاحب پسرانی دوقلو می‌شود (همان، ۹۱-۹۳). همچنین در اساطیر کنعانی، پادشاهی به نام کرت<sup>۱</sup> شبی پس از لابه و گریه بسیار به خواب می‌رود و در خواب ایزد بعل بر او ظاهر می‌شود. بعل به او می‌گوید که به نیت فرزنددار شدن یک گوسفند، یک بز و دو کبوتر را در معبد قربانی کند و سپس به کشور اودوم<sup>۲</sup> لشکر بکشد و دختر پادشاه آن سرزمین را به زنی بخواهد. این چنین، کرت با آن دختر ازدواج می‌کند و از او صاحب هفت دختر و هفت پسر می‌شود (همان، ۱۱۱-۱۱۳).

### ۲-۳. زایش غیر معمول در اسطوره

زایش با هیأت‌های غیر انسانی نیز در روایت‌های مه‌بهارت نظایری دارد. راجه‌ای به نام سگر به عبادت می‌پردازد. پس مه‌ادیو به وی مژده می‌دهد که از یکی از همسرانش صاحب شصت هزار فرزند و از دیگری صاحب یک پسر می‌شود، اما آن شصت هزار پسر هلاک خواهند شد و نسل او از آن یک پسر باقی می‌ماند. پس از مدتی، یکی از همسران وی یک پسر و دیگری کدویی می‌زاید. راجه با راهنمایی ندایی آسمانی کدو را می‌شکند و شصت هزار تخم درون آن را در کوزه پرروغن می‌اندازد و در جایی پاک نگه می‌دارد. پس از چندی تخم‌های کدوی درون کوزه تبدیل به شصت هزار پسر می‌شوند (همان، ۳۲۴-۳۲۵). در روایتی دیگر، ریشی بزرگی به نام مندپال<sup>۳</sup> پس از مرگش و در آن دنیا به دلیل نداشتن پسر ناشاد است. پس از چندی، به وی خبر داده می‌شود که پرنده‌ای به دنیا فرستاده شده و از آنها دو زن برای او پدید آمده است. ریشی نزد زنان می‌رود. یکی از آن زنان چهار تخم می‌گذارد که از آنها چهار فرزند به وجود می‌آید (همان، ۲۰۹).

### ۳. جدول اسطوره‌بن‌ها و تحلیل روایات

چنان که دیدیم، ساختار فرزندآوری و زایش فراطبیعی در قصه‌های پریان ایرانی و اساطیر ایرانی، هندی و بین‌النهرینی شباهت آشکاری به یکدیگر دارد. در این قصه‌ها، زوجی نازا به یاری یک میانجی، که غالباً یک درویش یا عابد است، و نیز به کمک عوامل فراطبیعی، که به صورت‌های دعا، نذر، خوردن خوراکی ویژه یا ازدواج با دختری خاص ظاهر می‌شوند، صاحب فرزند می‌گردند. بدین ترتیب این روایات، تقابل بنیادین ناباروری (بارخواهی) در برابر بارآوری و کوشش برای مرتفع ساختن آن را به نمایش می‌گذارند.

1. Keret
2. Oudoum
3. Mandapāla

علاوه بر این، با دقت در ساختار یادشده و هویت طرفین تقابل، می‌توان تقابل دیگری، یعنی تقابل عالم طبیعی و عالم فراطبیعی را نیز تشخیص داد. خداوند یا ایزدان و الهگانی که زوج نابارور به درگاه آنها دعا می‌کنند قطب بارآور و نماینده عالم فراطبیعی و زوج نابارور و خواهان فرزند نماینده عالم طبیعی هستند که به واسطه عالم فراطبیعی بار می‌گیرند. البته گفتنی است که تقابل عالم فراطبیعی و عالم طبیعی در اسطوره زروران که خود یک ایزد و موجودی آسمانی است دیده نمی‌شود. برای روشن‌تر شدن شباهت‌های ساختاری روایت‌های مورد بررسی، اسطوره‌بن‌های اصلی هر روایت و تقابل‌های آنها در جدول زیر مشخص شده‌اند.

جدول اسطوره‌بن‌های روایات مربوط به بارداری و زایش فراطبیعی

نام روایت	ناباروری	باروری	عالم طبیعی	عالم فراطبیعی
زله و زینت و زینت	شاه فرزندی ندارد.	شاه صاحب پسری می‌شود که تیغی افسون جان اوست.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
نیمه کون	شاه فرزندی ندارد.	شاه صاحب دو پسر سالم و یک پسر نیمه می‌شود.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
شمس‌نیر هفت محمندی	شاه فرزندی ندارد.	شاه صاحب شش پسر سالم و یک پسر معلول می‌شود.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
لت خروسی	مرد عقیم است.	مرد صاحب شش پسر سالم و پسری به شکل یک نیمه خروس می‌شود.	مرد نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
سره	پیرمرد فرزندی ندارد.	پیرمرد خود یک سر می‌زاید که بعداً تبدیل به پسری می‌شود.	پیرمرد نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
دختر شاه پریان و گوهر ابریشم	شاه پیر فرزندی ندارد.	شاه صاحب یک دختر و یک پسر می‌شود.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
شهرزاده شهر سبز	شاه فرزندی ندارد.	شاه صاحب پسری می‌شود.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
گل‌گاره مو	شاه فرزندی ندارد.	شاه صاحب پسری می‌شود.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.

پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۱/۱۳۹۷

ملک زیور	شاه فرزندی ندارد.	شاه صاحب پسری می‌شود.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
دختران انار	شاه فرزندی ندارد.	شاه صاحب پسری می‌شود.	شاه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
بختی نگار و می‌سسی قیاب	زن نازا و خواهان فرزندی است.	زن صاحب دختری می‌شود.	زن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	درخت نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
دختر دال	زن نازاست.	از درون تخم مرغ، دختری زیبا به دنیا می‌آید.	زن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
گورده	زن نازاست.	قلوه تبدیل به دختری می‌شود.	زن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
دُر هویزی تی گل هزاری	زن نازاست.	خمیر تبدیل به دختری می‌شود.	زن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
آنخودک	زن نازاست.	زن مقداری نخود می‌زاید و یکی از نخودها فرزند آنها می‌شود.	زن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
دختر درزی و شاهزاده	مرد درزی فرزندی ندارد.	زن کدویی می‌زاید که از درون آن دختری بیرون می‌آید.	زن درزی نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
قصه کدو	_____	زن کدویی می‌زاید که از درون آن پسری بیرون می‌آید.	زن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
گرازک	زن نازاست.	زن صاحب دختر زیبایی در جلد گراز می‌شود.	زن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	خداوند نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
زروان	زروان در آرزوی داشتن پسری است.	زروان اورمزد و اهریمن را می‌زاید.	_____	_____
راجه برهدرت	برهدرت فرزندی ندارد.	برهدرت صاحب یک پسر می‌شود.	برهدرت نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
دشترتهه	دشترتهه پسرانی می‌خواهد.	دشترتهه صاحب چهار پسر می‌شود. انجنه هنومن را می‌زاید.	دشترتهه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.

رایه-جوناش	جوناش فرزندی ندارد.	جوناش صاحب پسری می‌شود.	جوناش نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
رایه-دروید	دروید پسری می‌خواهد.	دروید صاحب یک پسر و یک دختر می‌شود.	راجه دروید نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
جد-چترباهن	جد راجه چترباهن فرزندی ندارد.	جد چترباهن و اعقابش هر یک صاحب پسری می‌شوند.	جد چترباهن نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
بهمین و دمن	بهمین فرزندی ندارد.	بهمین صاحب سه پسر و یک دختر می‌شود.	بهمین نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
راجه-بدرپهه	بدرپهه فرزندی ندارد.	بدرپهه صاحب دختری می‌شود.	راجه بدرپهه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
ریشی-بالده	بالده فرزندی ندارد.	بالده صاحب پسری می‌شود.	ریشی بالده نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
اشوپتی	اشوپتی فرزندی ندارد.	اشوپتی صاحب دختری می‌شود.	اشوپتی نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	سویتری نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
راجه-سومک	راجه سومک پسرانی می‌خواهد.	او صاحب صد پسر می‌شود.	سومک نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
راجه-مندپال	راجه مندپال پسری می‌خواهد.	راجه صاحب چهار فرزند می‌شود.	مندپال نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
راجه-سگر	راجه سگر فرزندی ندارد.	یکی از زنان راجه سگر کدویی می‌زاید که از درون آن شصت هزار پسر بیرون می‌آید و از دیگری صاحب یک پسر می‌شود.	راجه سگر نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند.
اتنه	اتنه فرزندی ندارد.	اتنه صاحب پسری می‌شود.	اتنه نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	ایزدان نماینده عالم فراطبیعی و بارآور هستند...
کمان‌الیه	دانیال پسری ندارد.	دانیال صاحب پسری می‌شود.	دانیال نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	اا نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.

ارزوی ایزدرفته	کرت تنه‌است و زن و فرزندی ندارد.	کرت دختر پادشاه اودوم را به زنی می‌گیرد. او صاحب هفت پسر و هفت دختر می‌شود.	کرت نماینده عالم طبیعی و بارخواه است.	بعل نماینده عالم فراطبیعی و بارآور است.
----------------	----------------------------------	---	---------------------------------------	---

با بررسی روایات یاد شده و اسطوره‌بن‌های مشترک آنها، الگوی ساختاری این گونه روایت‌ها را می‌توان به این ترتیب مشخص کرد:

**عامل یا عواملی نابارور بارخواه در پی زایا شدن هستند.**

**عامل بارآور به کمک واسطه‌هایی عوامل نابارور یا بارخواه را زایمند می‌سازد.**

در این روایات، درویش یا عابد، که خود شخصیتی دویبعدی و طبیعی- فراطبیعی یا زمینی-آسمانی دارد، به‌عنوان واسطه میان ایزدان یا عالم فراطبیعی و زوج نازا در عالم طبیعی عمل می‌کند و تقابل را برطرف و زوج نازا را زایا می‌سازد. چنانکه در بخش‌های پیش اشاره کردیم، گاهی و در برخی روایت‌ها، از جمله «آنخودک»، «دَدَر هویری، بی گل هزاری» و «گوردله»، میانجی به معنای یک شخص وجود ندارد و در حقیقت جادو و نیروی کلام یا دعای زوج مانند یک میانجی عمل می‌کند و باروری را ممکن می‌سازد. با توجه به ساختار اسطوره‌ای بارداری‌ها و زایش‌های فراطبیعی و این امر که در اساطیر غالباً عنصر واسطه‌ای وجود دارد که برطرف‌کننده تقابل است، چنین می‌نماید که این قصه‌های پریان اشکال تحول‌یافته ساختار مورد بحث هستند که در گذر زمان بیشتر تحت تأثیر عوامل مختلفی چون سلائق و شرایط راوی، عرف و باورهای جامعه و فرایندهای گشتاری قرار گرفته و از شکل اولیه این ساختار دور شده‌اند و بدین صورت نمود یافته‌اند. در حالی که در قصه‌های پریان با درویش، پیرمرد یا پیامبر روبرو هستیم، در اسطوره‌های بین‌النهرینی مورد بحث با شمش یا ایزد بعل و در روایات هندی مورد بحث با عارفان یا ریشی‌ها، به‌مثابه میانجی میان انسان‌ها و ایزدان و الهگان یا آفریدگار، مواجهیم. به‌علاوه، در حالی که در قصه‌ها با نماز و عبادت به درگاه خداوند به نیت بارداری روبرو هستیم، در اساطیر مزبور خدمت کردن در معابد ایزدان و الهگان و نذر و نیاز و قربانی برای آنها را می‌بینیم (رک: گرمال، ۱۳۸۷: ۸۴، ۹۲؛ مهابهارت، ۱۳۵۸: ۱۴، ۱۷۱-۱۷۲، ۲۰۹، ۳۲۴-۳۲۵). فرزند حاصل از این گونه بارداری و زایش‌ها نیز طبیعتی دویبعدی و طبیعی- فراطبیعی یا زمینی-آسمانی دارد و همین ویژگی‌ها به وی سیمایی اسطوره‌ای می‌بخشد. این ماهیت دوگانه او در حقیقت بازتاب خصلت اسطوره‌ای وی است و به او این امکان را می‌دهد که با رفت و آمد در هر دو سوی تقابل، هدف و کارکرد خود را، که کمرنگ و مرتفع ساختن تقابل‌هاست، به انجام رساند. خلقت و تولد فراطبیعی قهرمانان بیانگر آن است که قهرمانی امری اکتسابی نیست و قهرمانان از پیش تعیین می‌شوند

(کمل، ۱۳۹۲: ۳۲۴). بدین ترتیب، زایش غیرمعمول و بسته شدن نطفه قهرمانان قصه‌ها به صورت فراطبیعی، با متصل نمودن ایشان از همان ابتدای خلقتشان به منبع نیروهای فوق‌طبیعی و عوالم دیگر، از آنها موجوداتی ممتاز از دیگر شخصیت‌های قصه و شخصیت‌هایی اسطوره‌گون می‌سازد که با توانایی‌های خارق‌العاده خود می‌توانند با قطب‌های منفی قصه‌ها مقابله نمایند و همواره پیروز شوند. همین خصلت اسطوره‌گون قهرمانان است که آنها و زایششان را با برخی نشانه‌های اسطوره‌ای و نمادهای باروری مانند سیب، انار، تخم مرغ، آب و گراز در قصه‌های پریان ایرانی پیوند می‌دهد.

در بیشتر این روایات، گیاه در بارورسازی عوامل نابارور نقشی اساسی دارد و این امر مرتبط با باور اسطوره‌ای پیوند انسان با گیاه است. گیاه‌تباری و زایش به‌واسطه خوردن یک گیاه، ازدواج با گیاهان یا تولد به پیکر آنها از مضامینی است که در اساطیر و آیین‌های اغلب مناطق دنیا دیده می‌شود. این باورها ریشه در باور به زاینده‌گی زمین به عنوان زهدان طبیعت دارد. این زهدان حیات و گیاهان و هر چه از آن پدید می‌آید زنده هستند. پس نزدیک شدن به آنها هم مایه تقویت قوای زاینده است. همین باور به گیاهان به عنوان مظهر زندگی پایان‌ناپذیر منجر به باور به «درخت کیهانی» یا «درخت زندگی» شده است که رمز کیهان و آفرینش و تجدید حیات بی‌وقفه آن و باروری است و غالباً ایزدی که نماد طبیعت بارور است نیز آن را همراهی می‌کند (الیاده، ۱۳۸۹: ۲۸۸، ۲۹۲-۲۹۴؛ دوبوکور، ۱۳۸۷: ۹-۱۲، ۱۹؛ شوالیه و گبران، ۳/۱۳۷۷: ۱۹۵-۱۹۶). گذشته از این، میوه‌ها و عناصری که در قصه‌های مورد بررسی با باروری و فرزندآوری پیوند دارند، مانند سیب، انار، کدو، تخم مرغ و گراز، نیز خود در اساطیر با مفاهیم زاینده‌گی و باروری و ایزدان و الهگان آن مرتبط هستند و به همین دلیل هم هست که در این قصه‌ها خاصیتی فراطبیعی و جادویی می‌یابند و به عنوان عناصری بارورساز عمل می‌کنند.

سیب، گذشته از این که میوه درخت شناخت نیک و بد است، مظهر باروری و توالد و نشانه عشق و امیال جنسی است (شوالیه و گبران، ۳/۱۳۷۷: ۷۰۱-۷۰۰؛ Ferber, 2007: 12). انار با زنانگی، زایش و زن ایزدان آن در ارتباط است. دانه‌های انار در مناطق گسترده‌ای از جهان، نماد باروری، فراوانی و فرزندان بسیار شمرده می‌شود. این میوه با الهگان عشق و باروری مانند دمتر، پرسفونه و هرا مرتبط بود. همچنین نقل شده است که آفرودیت، الهه عشق، درخت انار را به دست خود در قبرس کاشت (شوالیه و گبران، ۳/۱۳۷۸: ۱/۲۵۰؛ هال، ۱۳۸۷: ۲۷۶-۲۷۷؛ پورداود، ۱۳۸۶: ۲۷۰). درخت زندگی در بین‌النهرین، ترکیبی از درختان مختلفی پنداشته می‌شد که درخت انار به عنوان رمز باروری یکی از این انواع بود (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۱۳). کدو نیز به دلیل تخم‌های بسیارش در مناطق مختلف جهان نماد

باروری و فراوانی و توالد شمرده می‌شود. در یک اسطوره آفرینش هندوچین، داستانی درباره پدید آمدن نسل بشر از یک کدو وجود دارد که یادآور قصه‌های پریان ایرانی «کدو» و «قصه کدو» است. در این اسطوره، نسل بشر از کدویی به وجود آمده و حاصل ازدواج تنها جفت نجات‌یافته از طوفان است. در اسطوره‌های چینی هم نقل شده است که نیای اسطوره‌های چینیان، پان‌گو<sup>۱</sup>، کدو بوده است (الیاده، ۱۳۸۹: ۲۸۷؛ شوالیه و گبران، ۴/۱۳۸۵: ۵۳۵-۵۳۷). زایش آدمی از تخم مرغ نیز در اساطیر امری آشناست. در عهد باستان، برخی از ملل، انسان اولیه را زاده تخم مرغی می‌دانستند. در چین و هند معتقدند که پان‌گو و بنا بر یک روایت پرجاپتی<sup>۲</sup> این گونه زاده شده‌اند. همچنین برخی از قهرمانان دیگر چینی از تخمی که از خورشید آستن شده بود یا از هضم تخم‌های پرندۀ توسط مادرشان به دنیا آمده‌اند. افزون بر این، پدید آمدن جهان از تخم مرغ هم نظریه‌ای مشترک در میان بسیاری از اقوام است. در ساختار تمامی اسطوره‌های کیهان، تخم مرغ در حقیقت زهدانی است که همه آفرینش از آن زاده می‌شوند. معمولاً پس از خائوس یا بی‌نظمی اولیه، تخم مرغ به عنوان اولین اصل نظم جهان نمودار می‌شود. کلیت اشکال پس از این تخم مرغ ایجاد می‌شود (شوالیه و گبران، ۱۳۷۹: ۱۲/۳۲۴، ۳۲۸). همچنین گراز از روزگار باستان تا قرون وسطی و بعد از آن در برخی مناطق، نماد باروری زمین و نیز مظهر ماه بوده است. گراز حیوان مقدس ایزد باروری اسکانندیناوی، فریر<sup>۳</sup> بود (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۰۶؛ صمدی، ۱۳۶۷: ۲۵). در شهر سوخته و نواحی اطراف آن در ایران، تعداد بسیاری از پیکرک‌هایی به شکل حیواناتی چون گراز یافت شده که از آنها به عنوان تمثال‌های الهه باروری و به منظور دورکردن آفات در انبارهای غله استفاده می‌شده است (مرعشی، ۱۳۹۶).

در قصه‌های پریان مورد بررسی، همین نمادها و عناصر به زوج نابارور کمک می‌کنند تا نیروی باروری خود را بازیابند و بدین ترتیب در رفع و حل تقابل نقشی کلیدی ایفا می‌نمایند. قدرت بارورکننده میوه‌هایی چون سیب و انار چنان نیرومند است که فارغ از جنسیت شخصی که آن را می‌خورد، سبب بارداری می‌شوند، چنانکه در قصه «سره»، مرد با خوردن کل اناری که درویشی به او می‌دهد، خود باردار می‌شود و در قصه «لت خروسی»، خروسی نصف سیب را می‌خورد و این امر سبب شکل گرفتن نطفه فرزند نیمه به شکل خروس در بطن زن می‌گردد. در روایت هندی راجه جوناش، آب، که مایه اصلی حیات و بارورکننده زمین و طبیعت است، چنین خاصیتی دارد و خود

1. P' an-ku
2. Prajāpati
3. Freyr

راجه با خوردن آب باردار می‌شود. همچنین کدو، که با زاینده‌گی و اسطوره‌های آفرینش نخستین انسان پیوند دارد، در قصه‌های پریان، به‌مثابه بطن و زهدان مادر، نطفه زوج‌های نابارور را در خود نگاه می‌دارد. در اسطوره آفرینش هندوچین، نسل بشر از کدویی پدید می‌آید که حاصل ازدواج تنها جفت نجات یافته از طوفان است. بنا بر این اسطوره، نوع بشر در طوفانی نابود شده و تنها یک برادر و یک خواهر به صورت معجزه‌آسایی در کدویی از معرکه جان سالم به در می‌برند. آنها به ناچار با هم می‌آمیزند و زن کدویی می‌زاید و از تخم کدویی که بر دشت افشانده می‌شود نژاد بشر پدید می‌آید. در روایات اسطوره چینی آفرینش هم نقل شده است که نیای اسطوره‌ای چینیان، پان‌گو، به کمک یک کدو از طوفان نجات می‌یابد و در روایتی دیگر آمده که او خود یک کدو بوده است (الیاده، ۱۳۸۹: ۲۸۷؛ شوالیه و گربران، ۴/۱۳۸۵: ۵۳۵). روایت متعلق به هندوچین و اسطوره چینی، اساطیر خلقت و بنابراین صورت‌هایی بسیار کهن هستند که نحوه آفرینش بشر را روایت می‌کنند. در روایت مه‌بهارت، که صورتی مشابه همان بن‌مایه و ساختار است، نمودهای فرهنگ و تمدن و حرکت به سوی عقلانی کردن داستان و منطقی دیده می‌شود. در این روایت، دیگر نه نسل بشر، که شصت هزار پسر از کدو زاده می‌شوند. در اینجا، تخم‌های کدو در طبیعت و کوه و دشت رها و سپس تبدیل به انسان نمی‌شوند، بلکه راجه سگر بایست آنها را برای مدتی درون کوزه نگهداری کند، و کوزه از نشانه‌های تمدن بشری و نمادی زنانه و رمز زهدان زنان است (شوالیه و گربران، ۴/۱۳۸۵: ۶۳۱). در این روایت، تخمه‌های کدو باید برای پیکر انسانی یافتن همان روندی را پشت سر بگذارند که نطفه برای تبدیل شدن به نوزادی کامل باید در رحم مادر طی کند و چندی در آنجا بماند. با این حال، همچنان این انسان نیست که فرزندان را در بطن خود می‌پرورد، بلکه این نقش به کوزه داده شده است که مظهر زهدان و همچنین ایزدبانوی حاصلخیزی است. در قصه‌های پریان ایرانی هم، همچون روایت هندی، زنان نازا کدویی می‌زایند، اما از آن نه نسل بشر و نه شصت هزار پسر، که یک دختر و یک پسر زیبا زاده می‌شود (درویشیان و خندان، ۵/۱۳۸۲: ۲۷۹؛ همو، ۱۰/۱۳۸۱: ۳۸۱-۳۸۹). آرد نیز که در قصه «دَدَر هویری بی گل هزاری» دختری از آن زاده می‌شود (همو، ۱۸/۱۳۸۴: ۴۹۶-۴۹۷)، در پیوند با مفهوم و آیین‌های باروری و زاینده‌گی است. چنین می‌نماید که زاده شدن از آرد و پیکرک خمیری در این قصه از بقایای آیینی بین‌النهرینی است که به منظور بارورسازی انجام می‌شده است. در بین‌النهرین باستان، در آیین‌های مختلف، کپه‌هایی از آرد فراهم می‌شده که به‌منزله پیشکشی به ایزدان یا نمادی از خدایان بوده است. در این مراسم، از خمیرهای گوناگون مخلوط با گیاهان برای ساختن پیکره‌هایی استفاده می‌شده که هدف



آنها بهبود توانایی جنسی بود (Black and Green, 2004: 84). همین طور، با توجه به ارتباط گراز با الهه‌های باروری و جایگاه و اهمیت آن در ایران یا دست کم بخش‌هایی از ایران از جمله شهر سوخته، می‌توان انگاشت که قصه «گرازک» و عطا شدن دختری زیبا در پوست گراز به زوج نابارور نیز در ارتباط با این باورها درباره این جانور و الهه زایش است.

## ۵. نتیجه

قصه‌های پریان مورد بررسی در این مقاله، بیانگر تقابل ناباروری (بارخواهی) و بارآوری و تقابل عالم طبیعی و عالم فراطبیعی یا تقابل انسان و ایزدان یا خداوند هستند و اگرچه این روایات ظاهراً متفاوت به نظر می‌رسند، اما تحلیل ساختاری این روایات و توجه به اسطوره‌بن‌های مشترک آنها نشان می‌دهد که ژرف‌ساخت این روایات یکسان است و اگر تفاوتی میان آنها دیده می‌شود مربوط به روساخت آنهاست. در این روایات، تقابل غالباً به یاری یک عنصر واسطه، که خصلتی دوگانه و طبیعی در برابر فراطبیعی یا زمینی در برابر آسمانی دارد و نیز عناصری با خاصیت‌های فراطبیعی برطرف می‌شود و نتیجه آن فرزندی است که خصلتی طبیعی و فراطبیعی و اسطوره‌ای دارد و قهرمان قصه است. او که ماهیتی اسطوره‌گون دارد، موظف است که تقابل‌های موجود در روایات را کمرنگ یا برطرف سازد. همین خصلت دوگانه وی این امکان را برای او فراهم می‌سازد تا با حرکت در دو سوی تقابل رسالتش را به انجام رساند. زایش و خلقت قهرمان به صورت‌های فراطبیعی و پیوندش با نمادهای اسطوره‌ای و مرتبط با باروری در قصه‌های پریان نیز در پیوند با همین ماهیت اسطوره‌گون اوست که وی را از آغاز آفرینشش از دیگر انسان‌ها ممتاز می‌سازد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. شایان ذکر است که بارداری غیرمعمول در حماسه‌ها و الگوی زندگی پهلوانان ایرانی هم، البته به صورت‌هایی دیگر و منطقی‌تر نسبت به قصه‌های پریان، دیده می‌شود؛ مثلاً مادران پهلوانان معمولاً بارداری‌ها و زایمان‌های دشوارتری نسبت به دیگر زنان دارند (رک: حق‌پرست و یاحقی، ۱۳۹۵: ۱۶، ۱۸-۱۹).
۲. لوی استروس، که در پژوهش‌های خود متأثر از علم زبان‌شناسی بود، اصطلاح «گشتار» را برای تغییرات یک اسطوره نسبت به اسطوره کلیدی، یعنی اسطوره‌ای که پژوهش با آن آغاز می‌شود، و دیگر اسطوره‌ها به کار برده است. او معتقد بود که اگر یک جنبه از یک اسطوره غیرقابل فهم به نظر برسد، می‌توان آن را گشتاری از یک جنبه مشابه اسطوره‌ای دیگر در نظر گرفت که با همان گروه اسطوره‌ای به جهت موضوعش مرتبط است. به بیان دیگر، هر گاه بخواهیم گوناگونی اشکالی را توضیح دهیم که بر طبق آنها می‌توان عناصر را ترکیب کرد، باید از گشتار کمک بگیریم. البته لوی استروس خود اشاره کرده است که گشتار، آن چنان که برخی انتظار دارند، یک فرآیند کامل را پدید نمی‌آورد و به نمایش نمی‌گذارد، بلکه این فرآیند تنها نشان می‌دهد که می‌توان هر اسطوره را به صورت

جداگانه همچون صورتی در نظر گرفت که از یک الگوی مشخص به وجود آمده است و به تدریج از طریق روابط متقابل میان چند اسطوره و بررسی آنها تشخیص داده می‌شود (Strauss, 1969: 13)؛ لوی استروس، ۱۳۸۵: ۷۲.

۳. در روایات اسلامی هم ماجرای مشابهی درباره تولد حضرت فاطمه (ع) وجود دارد. پیش از تولد حضرت فاطمه (ع)، جبرئیل بر پیامبر ظاهر می‌شود و می‌گوید که باید چهل روز از حضرت خدیجه (ع) دوری گزیند. پیامبر چهل روز دور از حضرت خدیجه (ع) به روزه و عبادت مشغول می‌شود و هر شب با غذای بهشتی (خرما و انگور) افطار می‌نماید. بنا بر برخی روایت‌ها، در شب چهلیم، جبرئیل سیبی بهشتی را برای پیامبر می‌آورد و از او می‌خواهد تا آن را دو نیم کند، نیمی را خود و نیمی را حضرت خدیجه بخورند. طبق این روایت، هنگامی که پیامبر سب را نصف می‌کنند، نوری از آن ساطع می‌گردد و از همین سب است که نطفه حضرت فاطمه (ع) بسته می‌شود (عمادزاده، ۱۳۷۶: ۴۵-۴۷). این مورد هر دو گونه باروری، باردار شدن با دعا و عبادت و باروری با خوردن خوراکی، را شامل می‌شود.

۴. تلفظ نام‌های هندی غالباً از ترجمه مهابهارت گرفته شده است.

۵. *Devatas*: دیوتوها سه خدا بودند که گاه تبدیل به یک خدا می‌شدند. آنها میان آسمان و زمین در رفت و آمد بودند (Coleman, 1832: 139).

## منابع

- الیاده، میرچا، ۱۳۸۹، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
- ایونس، ورونیکا، ۱۳۸۱، *اساطیر هند*، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر.
- پورداد، ابراهیم، ۱۳۸۶، *آناهیتا*، به کوشش مرتضی گرجی و تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب.
- حق پرست، لیلیا و محمد جعفر یاحقی، ۱۳۹۵، «الگوی زندگی جهان پهلوان»، *فصلنامه فرهنگ و ادب عامه*، س ۴، ش ۱۰، صص ۱-۳۲.
- درویشیان، علی اشرف و رضا خندان، ۱۳۷۷-۱۳۸۷، *فرهنگ افسانه‌های مردم ایران*، ۱۹ جلد، تهران، کتاب و فرهنگ.
- دوبوکور، مونیک، ۱۳۷۳، *رمزهای زنده‌جان*، تهران، مرکز.
- سگال، رابرت، ۱۳۹۴، *اسطوره*، ترجمه فریده فرنودفر، تهران، بصیرت.
- شکری، محمد، ۱۳۹۲، «تقدیر قهرمان شدن با تولد نمادین در اسطوره و افسانه»، *ادب پژوهی*، ش ۲۶، صص ۹۵-۱۱۷.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان، ۱۳۷۷-۱۳۸۵، *فرهنگ نمادها*، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، ۵ جلد، تهران، جیحون.
- صمدی، مهرانگیز، ۱۳۶۷، *ماه در ایران*، تهران، علمی و فرهنگی.
- عمادزاده، حسین، ۱۳۷۶، *زندگانی حضرت فاطمه زهرا (ع)*، تهران، اسلام.
- کمبل، جوزف، ۱۳۹۲، *قهرمان هزار چهره*، ترجمه شادی خسروپناه، مشهد، گل آفتاب.
- گریمال، پیر، ۱۳۸۷، *اسطوره‌های بابل و ایران باستان*، ترجمه ایرج علی‌آبادی، تهران، علمی و فرهنگی.
- لوی استروس، کلود، ۱۳۷۳، «بررسی ساختاری اسطوره»، ترجمه بهار مختاریان و فضل‌الله پاکزاد، *ارغنون*، ش ۴، صص ۱۳۵-۱۵۹.

لوی استروس، کلود، ۱۳۸۵، *اسطوره و معنا، گفتگوهایی با کلود لوی استروس*، ترجمه شهرام خسروی، تهران، مرکز.

مارزلف، اولریش، ۱۳۷۱، *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، سروش.  
مرعشی، جواد، ۲۶ فروردین ۱۳۹۶، «پیکرک و الهه‌های باروری در شهر سوخته، نیایش‌گاه‌های پنج هزار ساله»، خبرگزاری مهر:

<https://www.mehrnews.com/news/3943987>

مک‌کال، هنریتا، ۱۳۹۳، *اسطوره‌های بین‌النهرینی*، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز.  
مهابهارت، ۱۳۸۵، ترجمه میر غیاث‌الدین علی قزوینی، تحقیق و تصحیح و تحشیه سید محمد رضا جلالی نایینی و ن. س. شوکلا، تهران، طهوری.

وارنر، رکس، ۱۳۸۶، *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، سازمان میراث فرهنگی و نشر اسطوره.

وازیمن، بوریس و جودی گووز، ۱۳۹۲، *لوی استروس (قدم اول)*، ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران، پردیس دانش.

هال، جیمز، ۱۳۸۷، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر.

هینلز، جان، ۱۳۸۵، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه.

Black, J., and A. Green, 2004, *Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia*, The British Museum Press.

Coleman, C., 1832, *The Mythology of the Hindus*. Parbury, Allen and co, London.

Ferber, M., 2007, *A Dictionary of Literary Symbols*, Cambridge University Press, New York.

Levi-Strauss, C., 1969, *The Raw and the Cooked*, Harper and Row.

\_\_\_\_\_, 1955, "Structural Study of Myth", *The Journal of American Folklore*, Vol 68, No 270, 428-444.

Penner, H., 1998, *Teaching Levi-Strauss*, Scholars Press.

